

فاطمه زهرا (علیها السلام)

الگوی مبارزه سیاسی زن امروز

فرزانه نیکوبرش راد⁰

چکیده

عملکرد سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) در دفاع از حریم ولایت، پس از دوران رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تا زمان شهادت ایشان، از فرازهای مهم تاریخ اسلام است که در این مقاله، نحوه مبارزات و برخوردهای حضرت زهرا (علیها السلام) با غاصبان خلافت و شیوه های سیاسی اتخاذ شده برای رسیدن به هدف، با محور دفاع از ولایت و امامت مورد بررسی قرار گرفته اند.

کلیدواژه ها: حضرت زهرا (علیها السلام)، امامت، مبارزه سیاسی، پایگاه سیاسی، انقلاب درونی، سکوت، فدک، وصیت، شهادت.

مقدمه

گرایش به الگو و پی روی از مُد نیاز بشری است که در جهت کمال گرایی و تکامل طلبی به طور فطری در درون انسان ها نهاده شده است و علم امروز آن را «هماندسازی» می نامد. از این رو، مشاهده می کنیم که نیاز به الگو و الگودهی به نسل ها، در آموزه های دینی به طور آشکار مورد توجه قرار گرفته است و قرآن به صراحت، به معرفی الگوها و اسوه های «مثبت» و «منفی» می پردازد؛ و اسوه های مثبت ثابتی را مطرح می کند که در تمام عصرها و برای همه نسل ها قابل اتکا و پی روی در عمل هستند.

در معرفی الگو، آن نوع رفتارهای اجتماعی به عنوان «مدل» یا «راهنمای عملی» مد نظر قرار می گیرند¹ که از دیدگاه اسلام، در قرآن و روایات (آموزه های دینی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)) به عنوان نمونه و الگوی عملی معرفی شده اند. رمز ماندگاری الگوها² «زنده بودن تفکر و اندیشه الگوهای مطرح شده»، «همسویی سیره و سخن آنان با فطرت انسان ها»، «یکسان بینی جهان بینی و آرمان ها» و «شناخت پیروان آنان» قابل توجه و حایز اهمیت است. هر قدر این شناخت وسیع تر و عمیق تر باشد بهتر می توان محتوای پیام و گفتار و رفتار آنان را به دست آورد و از آن ها در جهت رسیدن به سعادت و تکامل و تحقق ارزش های فطری و الهی بهره برد.

شناخت و معرفت نسبت به الگوهای شایسته، مانع از هدر رفتن یگانه سرمایه آن ها (عمر) می شود. از این رو، امام خمینی (رحمه الله) با تأسی به الگوهای عملی در اسلام می فرماید:

«ما باید سرمشق از این خاندان [خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله)] بگیریم؛ بانوان ما از بانوانشان و مردان از مردانشان، بلکه همه از همه آن‌ها. الگوی حضرت زهرا(علیها السلام) الگوی پیغمبر است.»^(۱) اما رسالت و تکلیف بر شناخت معصومان(علیهم السلام)، ما را بر آن می‌دارد که عملکرد آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به اینکه حضرت زهرا(علیها السلام) الگوی عملی و عینی برای زنان مسلمان است که می‌تواند در همه زمینه‌ها سرمشق نسل امروز و فردا قرار گیرد، در این مقاله، به اختصار به ابعاد سیاسی زندگی حضرت فاطمه(علیها السلام) و مبارزات ایشان در دفاع از حریم ولایت و امامت می‌پردازیم.

مبارزه‌ای که ریحانه نبی در حسّاس‌ترین دوران آغاز کرد، از زمان آغازین انحراف جامعه پس از رحلت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله)، به عنوان مهم‌ترین و محوری‌ترین حرکت سیاسی جامعه محسوب می‌شد. هنگامی که او تعدّی غاصبان خلافت را به حریم ولایت و امامت دید، با تمام قوا و با روش‌های خود، برای دفاع از این حریم وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شد و در طول 75 روز (و به قولی 95 روز) همچون پروانه وجود خویش را برای تثبیت امامت، فدای ولایت کرد. امام خمینی(رحمه الله) در بیان عملکرد آن حضرت و درک عظمت آن حضرت چه زیبا فرمودند:

«زنی که هر کس با هر بینش، درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او نیز برنیامده. احادیثی را که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه‌ای نتوان گنجاند و دیگران هر چه گفته‌اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او...»^(۲)

جایگاه سیاسی حضرت زهرا(علیها السلام)

کانون تربیت سیاسی فاطمه زهرا(علیها السلام)

تولّد فاطمه زهرا(علیها السلام) در دوران جاهلیت و شیوه رفتار پیامبر(صلی الله علیه وآله) با این انسان الهی از ابتدا يك امر سیاسی (تکلیف الهی) بود. او در کانون سیاست و بحران‌های جامعه رشد می‌کرد و تربیت می‌یافت و همراه با تحولات و بحران‌ها، درس می‌آموخت و شیوه‌های حضور در صحنه را عملاً آموزش می‌دید. رسالت پیامبر(صلی الله علیه وآله) زدودن خرافات جاهلیت و معرفی جایگاه شامخ زن در آفرینش بود و رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) در رفتار خود با فاطمه زهرا(علیها السلام)، سعی داشت نگرش جامعه را به سوی زن از ابعاد شهوانی لهو و لعب، به ابعاد ملکوتی و ظرافت‌های روحی و نقش تربیتی و مدیریتی زن تغییر دهد.

مقام و موقعیت ممتاز حضرت فاطمه(علیها السلام) و تثبیت جایگاه محکم او در انجام رسالت الهی به گونه‌ای بود که پیامبر(صلی الله علیه وآله) در موقعیت‌های گوناگون، همواره بر دستان فاطمه زهرا(علیها السلام) بوسه می‌زد؛ هرگاه صدیقه مرضیه در جمعی وارد می‌شد که پیامبر در آن میان

بودند، به احترام آن حضرت از جای خویش بلند می شدند و او را در جایگاه خود می نشاندند؛^(۱) هنگام خروج از مدینه، از آخرین فردی که خداحافظی می کردند فاطمه (علیها السلام) بود و هنگام ورود به شهر هم به دیدار اولین کسی که می شناختند باز هم راضیه مرضیه (علیها السلام) بود.^(۲)

مشروعیت بازیگران سیاسی

مشروعیت بازیگران و رهبران سیاسی در هر جامعه ای مستلزم پیش نیازهایی است تا مردم جامعه با توجه به عملکردها و رفتار رهبران سیاسی مشروع و مقبول جامعه، نسبت به افراد جدید، شناخت و آگاهی لازم را به دست آورند و بتوانند نسبت به شخصیت های تازه وارد در امور سیاسی و اجتماعی جامعه و مشارکت آنان آگاهی کسب کنند و شخصیت های جدید را به عنوان رهبران آینده جامعه بشناسند. در صحنه سیاسی جامعه عرب جاهلی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با کردار، گفتار و عمل خویش در مورد خاندان نبوت و امامت حضرت علی و فرزندان او نقش فاطمه زهرا (علیها السلام)^(۳) در ارتباط با نبوت و امامت و رضایت الهی، شناخت های لازم را به جامعه می دادند و در کلام و گفتار خود، مواضع اهل بیت (علیهم السلام) را با عبارت های گوناگون تحکیم می کردند. پیامبر در طول دوران رسالت خود، برای رشد و استقلال فرهنگی مردم تلاش و کوشش بسیار کردند تا جامعه را نسبت به آینده آگاه سازند.

از سوی دیگر، پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) در زمینه مسئولیت و رهبری زنان، راضیه مرضیه (علیها السلام) را برای پذیرش این رسالت الهی تربیت کردند. فاطمه زهرا (علیها السلام) اولین درس را در بحرانی ترین شرایط سیاسی و اقتصادی - یعنی در محاصره «شعب ابی طالب» آموخت^(۴) و به تدریج، با علم لدنی که داشت، مجالس بحث و وعظ و درس های تفسیر و احکام در مدینه برای بانوان جامعه دایر کرد.^(۵)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با سخنان گهربار خود درباره جایگاه فاطمه زهرا (علیها السلام) نزد خدا،^(۶) نزد آن حضرت^(۷) و جامعه، در شیوه های برخورد با فاطمه زهرا (علیها السلام)، ازدواج با حضرت علی (علیه السلام)،^(۸) ماجرای مباحله با مسیحیان نجران و حضور حضرت زهرا (علیها السلام) در آن جمع،^(۹) محدود کردن دایره اهل بیت (علیهم السلام)^(۱۰) و اشخاص آن، با احادیث گوناگون، مانند حدیث «کساء»،^(۱۱) «سفینه نوح»،^(۱۲) «تقلین»^(۱۳) و ماجرای غدیر خم،^(۱۴) رسالت خود را به پایان رساندند و جامعه را برای پذیرش امامت حضرت علی (علیه السلام) آماده ساختند.

اما متأسفانه جاهلیت چنان در تار و پود جامعه ریشه دوانده بود که پس از رحلت ایشان، در ماجرای «سقیفه بنی ساعده» در فضای آکنده از اندوه و غم و ماتم رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، بازیگران سیاسی چنان جو را تغییر دادند و سریع عمل کردند که مقام خلافت را، که حق مسلم حضرت علی (علیه السلام) بود، غصب کردند.^(۱۵) انحراف و تخریب افکار عمومی و جنگ قدرت

از کودتای «سقیفه بنی ساعده» آغاز شد. جامعه اسلامی نیز که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) در طول دوران نبوت خود، ساختار آن را پی ریزی کرده بودند، با حرکت کودتاگران سقیفه و زنده کردن ارزش های جاهلی و روحیه ناسیونالیستی و سکوت یاران سست اراده و فرصت طلبان دچار انحراف شد.

حضرت زهرا (علیها السلام) هم، که در بطن مسائل سیاسی جامعه و بحران ها رشد کرده و تربیت یافته بود و رسالت دفاع از حق و حقیقت را بر عهده داشت، با بصیرت و آگاهی عمیق نسبت به توطئه ای که مسیر امامت را منحرف ساخته بود، هشیارانه وارد عرصه جامعه شد و به صورت يك سیاست مدار آگاه و مدافع حریم امامت، در صحنه جامعه حضور جدی و فعال یافت و رهبری دفاع از امامت را برعهده گرفت.^(۱) او زنی است تربیت شده الهی و پیامبر زمان خود. پذیرش رهبری امام علی (علیه السلام) از سوی يك زن، با تفکر موجود جاهلی نسبت به زن تضاد داشت؛ اما از سوی دیگر، با پیش ذهنیت هایی که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) درباره حضرت زهرا (علیها السلام) در جامعه ایجاد کرده بودند، کاملا همخوانی داشت و هنوز وجود گوهر گران قدری همچون فاطمه زهرا (علیها السلام) به عنوان قوی ترین رکن سیاسی جامعه برای تشخیص و شناخت حق از باطل مطرح بود.

دخت گرامی حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به خاطر بیداری جامعه و آگاهی مردم در انحراف آغازین خود، فعالیت های سیاسی خود را آغاز نمود. بررسی فعالیت ها و روش هایی که فاطمه زهرا (علیها السلام) اتخاذ کرد، نمونه ای است که نشان می دهد اسلام می خواهد افراد جامعه، اعم از زن و مرد، همیشه نسبت به مسائل جامعه ای که در آن زندگی می کنند، آگاهی و شناخت لازم داشته باشند تا بتوانند در امور سیاسی جامعه مشارکت کنند و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)، سدشکن تفکر غلط جاهلیت نسبت به زن بود که با تمام وجود، سرشار از عشق الهی و رسالت نبی، دفاع از امامت و ولایت را رهبری کرد.

روش های مبارزه سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام)

الف. تهدید غاصبان خلافت

پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) در حال غسل و کفن و دفن پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود، بعضی از بازیگران سیاسی با مسموم کردن جو، در «سقیفه بنی ساعده» خلافت را غصب کردند^(۱) و خلیفه ای را بر خلاف حدیث غدیر خم و خط مشی پیامبر و رسالت الهی انتخاب نمودند. عده ای از بازیگران سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به خلیفه وقت و مقبولیت خلافت غصب شده و بر حق نشان دادن آن و سرپوش گذاردن بر مسیر انحرافی، بیعت گرفتن از خلیفه ذی حق را علم کردند و برای بیعت گرفتن از حضرت علی (علیه السلام) به در خانه

فاطمه(علیها السلام) آمدند، ولی با امتناع حضرت فاطمه(علیها السلام) در گشودن در مواجه شدند. به همین دلیل، در خانه او را به آتش کشیدند،^{۱۰} فاطمه(علیها السلام) را مورد هجوم قرار دادند^{۱۱} و او از شدت درد بی هوش شد و فرزند خود را سقط کرد. آنان حضرت علی(علیه السلام) را برای بیعت گرفتن با خلیفه وقت به مسجد بردند. زمانی که حضرت فاطمه(علیها السلام) به هوش آمد، سراغ امام برحق، علی(علیه السلام)، را گرفت. وقتی متوجه شد که او را به مسجد برده اند، بلافاصله دست فرزندان خردسالش حسن و حسین(علیهما السلام) را گرفت و به مسجد رفت.^{۱۲} هنوز مردم عوام جامعه و مهاجران و انصار برخوردهای باکرامت و بزرگوارانه پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) با فاطمه زهرا(علیها السلام) و سخنان پیامبر را نسبت به دخت گرامی اش از یاد نبرده بودند و احترام و تکریم خود را نسبت به فاطمه زهرا(علیها السلام) در باطن ضمیر خویش در نظر داشتند. وقتی که فاطمه زهرا(علیها السلام) به مسجد رفت و غاصبان خلافت را تهدید کرد که اکنون خدا را به یاری می طلبم، با تهدید او، غاصبان خلافت تا حدی جا خالی کردند و از بیعت گرفتن با حضرت علی(علیه السلام) دست برداشتند و در این مبارزه، فاطمه زهرا(علیها السلام) با پیروزی به خانه برگشت.^{۱۳}

ب. تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جامعه (گریه کردن)

در مرحله دیگر، فاطمه زهرا(علیها السلام) تاکتیک «گریه» را انتخاب کرد^{۱۴} و به عنوان يك حربه سیاسی از آن بهره برد. صدیقه طاهره(علیها السلام) محل گریه خود را مرکز اجتماع مسلمانان^{۱۵} قرار داده بود؛ بر سر قبر رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، شهدای احد و قبرستان بقیع می رفت و در این اقدام، همراه کودکان خردسالش (برای تحت تأثیر قرار دادن جامعه) و در ساعات شب و روز با ذکر مرثیه هایی در فقدان پدر بزرگوار خویش^{۱۶} و انحراف امت پس از رحلت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) سعی می کرد جامعه خفته را بیدار سازد.

ج. سخنرانی (با تکیه بر فدك)

حربه سیاسی دیگر، سخنرانی با تکیه بر غصب «فدك» بود^{۱۷} که به دنبال غصب آن توسط خلیفه وقت، فاطمه زهرا(علیها السلام) بار دیگر از این حرکت رژیم حاکم به عنوان يك حربه سیاسی و فرصت مناسب سیاسی برای روشن ساختن اذهان جامعه در غصب خلافت مسلم حضرت علی(علیه السلام) استفاده کرد. در حقیقت، فاطمه زهرا(علیها السلام) به نام غصب حق مالکیت خویش، به اعتراض سیاسی و استیضاح حاکم وقت پرداخت و به مسجد رفت و خطبه خواند.^{۱۸}

در این خطبه، چند فراز و نمود خاص وجود دارند. فاطمه زهرا(علیها السلام) در ابتدا، با یادآوری رسالت پیامبر و دفاع از رهبری و امامت برحق حضرت علی(علیه السلام) و حق مالکیت خویش بر فدك از لحاظ قانون ارث در اسلام، با سازش کاران سیاسی اتمام حجت کرد. ایشان در فرازی از آن خطبه می فرماید:

«هان ای مردم! بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد(صلی الله علیه وآله)، انتها و ابتدای کلام یکی است؛ هرگز آنچه می گویم غلط نبوده و آنچه انجام می دهم ظلم نیست.»^۱

نکته بارز در خطبه حضرت زهرا(علیها السلام) این است که آن حضرت با فصاحت و بلاغت خاصی به دفاع از مقام ولایت و امامت حضرت علی(علیه السلام) می پردازد. در فرازی از این خطبه می فرماید:

«... و چون خداوند پیامبرش را به خانه انبیا فراخواند، جایی که برگزیدگانش زندگی می کنند، خارهای نفاقتان سر برون آورد و پوشش دینتان رنگ باخت و صدای سرکرده گم راهان درآمد و پست مهره ای ذلیل و ناشناخته ظهور کرد و نازپرورده جاهلان مفسد زمزمه سر داد. پس بر دل ها و زندگی تان سوار شد ... و شما بر حق غضب کردید...»^۲

دفاع از حریم ولایت توسط يك زن و بذری که او در مسجد با سخنان مستدل و منطقی خود کاشت، بعدها در بیعت مردم با حضرت علی(علیه السلام) (پس از قتل عثمان) به ثمر نشست.

در فراز دیگری از این حرکت سیاسی، حضرت زهرا(علیها السلام) به دفاع از ارث زن در اسلام می پردازد؛ دفاع از مالکیت بر حق زن. این حرکت بر خلاف راه و رسم موجود در افکار جاهلی بود که در بعضی از اذهان رسوخ داشت. اما آنچه را اسلام حق می دانست برای فاطمه زهرا(علیها السلام) معیار و محک بود، نه عرف و سنت های جاهلی. آن حضرت توانست با حضور در مرکز اجتماع مسلمانان و مهم ترین مکان معتبر سیاسی - یعنی مسجد - به محاجّه با خلیفه وقت بپردازد و او را به استیضاح بکشاند و با رسوایی سیاسی حاکمان وقت، تا حد زیادی مشروعیت آنان را زیر سؤال برد و رسم های جاهلیت را درهم بشکند^۳ و نشان دهد که هیچ حکومتی نمی تواند حق و مال کسی را غصب کند، حتی اگر این حق متعلق به يك زن باشد.

د. رایزنی سیاسی

حضرت فاطمه(علیها السلام) همچون سیاست مداری قهرمان، به تکلیف و رسالت الهی خویش عمل می کرد و برای روشن ساختن افکار عمومی از انحراف مسیر امامت، چهل شبانه روز^۴ دست حسن و حسین(علیهما السلام) را می گرفت و سوار بر مرکبی می شد و همراه با حضرت علی(علیه السلام) به در خانه مهاجر و انصار می رفت تا آن ها را نسبت به غفلتی که دچار آن شده اند و انحراف موجود، بیدار سازد و غافلان و راحت طلبان را هوشیار سازد. فاطمه زهرا(علیها السلام) در حقیقت، با رایزنی سیاسی خود، با یاران رسول(صلی الله علیه وآله) اتمام حجت می کرد و همچون دیپلماتی آگاه، با حضور خویش سعی می نمود مسیر انحراف امت را روشن سازد و مسیر واقعی را که امامت علی(علیه السلام) است و نیز حریم ولایت را روشن و بی پیرایه ارائه دهد تا در فردای قیامت، برای صاحبان زر و زور و تزویر و عاقبت طلبانی که فریب خورده اند، بهانه ای وجود

نداشته باشد.

هـ. اعتصاب سخن (سکوت سیاسی)

در مسیر دفاع از حریم ولایت و امامت، فاطمه زهرا (علیها السلام) شیوه مبارزاتی دیگری را با سکوت خود آغاز کرد، و آن «اعتصاب سخن» با حاکمان وقت بود.^{۱۰} صدیقه طاهره (علیها السلام) شیوه ای سیاسی را آغاز کرد که تداوم دهنده تاکتیک ها و شیوه های مبارزاتی قبلی آن حضرت بود. تمامی این شیوه ها در راستای یکدیگر معنا می دهند. آن حضرت با اتخاذ حرکت های سیاسی خاص از قبیل گریه در مراکز شلوغ و محل عبور و مرور مسلمانان، حضور در مسجد و مراجعه به خانه های مهاجر و انصار – که تمامی آن ها با حضور قوی آن حضرت در صحنه مبارزات سیاسی همراه بودند – جامعه را از لحاظ افکار، تحت تأثیر قرار داد، ولی ناگهان شیوه مبارزه سیاسی خود را تغییر داد و سکوت اختیار کرد.

این تاکتیک و شیوه جدید در اذهان جامعه، که به حضور آن حضرت در صحنه عادت داشتند، سؤال ایجاد می کرد و مسئله برانگیز بود که چه شده است که فاطمه زهرا (علیها السلام) سکوت کرده است؟ این تغییر رویه به طور طبیعی، توجه اجتماع را جلب می کرد و افکار عمومی را به تکاپو وامی داشت تا در پی یافتن علت آن باشند. فاطمه (علیها السلام) در محاجّه خود عهد کرد که دیگر با خلیفه سخن نگوید.^{۱۱} پس از حضور خلیفه در خانه فاطمه زهرا (علیها السلام) و گفتوگوی کوتاه آن ها با حضرت فاطمه (علیها السلام) که حضرت علی (علیه السلام) در این میان پیامبر سخن مابین فاطمه (علیها السلام) و خلیفه وقت بود،^{۱۲} و گرفتن اعتراف از خلیفه وقت مبنی بر مقام شامخ حضرت فاطمه (علیها السلام) از زبان پیامبر در اینکه رضایت فاطمه رضایت خدا و خشم او خشم خداست، فاطمه زهرا (علیها السلام) مشروعیت خلیفه را زیر سؤال برد و اذهان جامعه و افکار عمومی را در مشروعیت خلیفه وقت دچار تردید کرد که فاطمه (علیها السلام) حق را می گوید و امامت حق است غصب شده توسط خلیفه وقت! پس از اینکه آن حضرت از خلیفه وقت اعتراف گرفت، قسم خورد که دیگر با او سخن نگوید و با این دیدار و سخن فاطمه زهرا (علیها السلام)، مشروعیت حاکمان وقت بیش از گذشته زیر سؤال رفت و در بسیاری از اذهان که نادانسته و تحت تأثیر جوّ موجود بیعت کرده بودند، شك و تردید و پشیمانی ایجاد شد و بدین سان، این حربه بسیار مؤثر واقع گردید.

و. ایجاد انقلابی درونی در خانه ها

شیوه مبارزاتی دیگر فاطمه زهرا (علیها السلام) دادن آگاهی و رشد سیاسی به زنان مهاجر و انصار بود که بدینوسیله، آتش مبارزه در خانواده های مدینه وارد می شد. این مبارز سیاسی شکست ناپذیر، که تمام تاب و توان خود را در دفاع از حریم ولایت و امامت قرار داده بود، به

علت تلاش بیش از حد، ناتوان شد. به همین دلیل، پس از مدتی فاطمه زهرا(علیها السلام) به علت بیماری و ضعف، در خانه بستری شد. وقتی خبر بیماری آن حضرت در مدینه پیچید، زنان مهاجر و انصار، که وامدار تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت بودند، برای عیادت او به خانه اش آمدند. وقتی از حال آن حضرت جويا شدند، از حال خود نگفت، بلکه در دفاع از حریم ولایت به سخن پرداخت^(۱) و از سستی مردانشان سخن راند که حق را فراموش کرده اند و سکوت اختیار نموده اند. بازتاب سخنان دخت پیامبر به تدریج، در درون خانه ها آتشی به پا کرد و انقلابی پرخروش را جهت داد که به حریم خانه ها راه یافت و نطفه های آگاهی و شعور را بارور کرد.

این شیوه مبارزه نشان می دهد اگر در جامعه ای به جای مشغول ساختن زنان به خود، برای آن ها کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به آنان آگاهی سیاسی داده شود، آنان بهتر می توانند در شناخت حق و حقیقت بدون تعارف های دیپلماتیک و بازی های سیاسی وارد صحنه شوند و به دفاع بپردازند. مصداق این حقیقت در انقلاب اسلامی ما نمود پیدا کرد؛ حضور زنان و پیشتازی آنان در صحنه مبارزات انقلاب و پشتیبانی از جنگ و فعالیت های پشت جبهه این نظریه را ثابت می کند که حرکت زنان ایران وامدار مبارزات سیاسی اسوه و الگوی زنان جهان حضرت زهرا(علیها السلام) بوده است.

ز. وصیت نامه سیاسی

تاکتیک کوبنده دیگری که صدیقه طاهره(علیها السلام) اتخاذ کرد و ضربه سهمگینی بر حکومت وقت وارد آورد، وصیت نامه سیاسی آن حضرت است؛ وصیت نامه ای که برای بیدار ساختن افکار خفته و توجه افکار عمومی و عدم بهره بردای حاکمان سیاسی وقت از مراسم سوگواری و دفن آن حضرت نگاشته شد.^(۱)

حضرت زهرا(علیها السلام) در وصیت نامه سیاسی خود تأکید می کند که حضرت علی(علیه السلام)، ولی بر حق، باید به آن عمل کند؛ چنان که تا بدان روز هیچ سیاست مداری چنین آگاهانه و مدبرانه و با آن ظرافت های سیاسی، عمل نکرده بود، بلکه شیوه ای بکر و تازه بود که از سوی سیاست مداری حرفه ای به خاطر دفاع از حریم ولایت و تحقیر موقعیت سیاسی خلیفه وقت اتخاذ شده بود.

حضرت فاطمه(علیها السلام) وصیت کرد که احدی از کسانی که به او ستم کرده اند در تشییع جنازه اش حاضر نشوند و شبانه او را دفن کنند.^(۱) در حقیقت، با این وصیت نامه، حربه سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد. آنان می خواستند در مرگ آن حضرت با مرثیه سرایی و اشک و ماتم و ارادت به آن حضرت و تأسف از رحلت او، مخالفت ها و مبارزات حضرت زهرا(علیها السلام) را در دفاع از حریم ولایت تحت الشعاع قرار دهند و خلافت غاصبانه خود را در اذهان

جامعه برحق جلوه گر سازند. اما دفن شبانه آن حضرت و نامشخص بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دخت گرامی پیامبر و یگانه گوهر گران قدر او چنین وصیتی کرده است؟

با عمل به وصیت آن حضرت توسط حضرت علی(علیه السلام)، اذهان جامعه دچار شك و تردید شد و تا حد زیادی مشروعیت خلیفه وقت زیر سؤال رفت و مظلومیت آن حضرت بیشتر نمایان گردید و اینکه چرا حضرت زهرا(علیها السلام) در مدت 75 (و به قولی 95) روز با تمام تاب و توان، با شیوه های گوناگون تلاش کرد تا مسیر انحرافی امت را روشن سازد که چرا امام بر حق علی(علیه السلام) را تنها گذاشته اند و کج راهه ای را انتخاب کرده اند که خلاف حق و حقیقت است، در حالی که علی(علیه السلام) بر حق است؟

تأثیر الگوی فاطمی در انقلاب اسلامی

از مجموع مباحث مطرح شده در صفحات قبل، می توان با اطمینان خاطر گفت: اسلام در نگرش خود به زن، با آفرینش ریحانه نبی و انسیه حوراء، نشان داد که دین جامعی است که زن تحقیر شده در جاهلیت دیروز و غرب زده امروز را نه تنها باور ندارد، بلکه تقبیح می کند و الگوی ایده آل زن مسلمان را فاطمه زهرا(علیها السلام) می داند تا بهانه برای هیچ زن مسلمانی باقی نماند که ما اسوه و الگویی نداشتیم تا با تمسک به او بتوانیم انحراف و باطل را تشخیص دهیم و یا به خود اجازه دهیم که وارد عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شویم. البته زنان مسلمان ایران با خودباوری به توان والای خویش و با شناخت فاطمه زهرا(علیها السلام) و مبارزات او، توانستند با حفظ کرامت، عزت نفس و عصمت و تقوا، برای دفاع از آرمان های خمینی کبیر(رحمه الله) و انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی شجاعانه وارد صحنه شوند و با مجاهدت ها و ایثارهای خود، انقلاب عظیم اسلامی ایران را به پیروزی برسانند.

این حضور قوی نشان داد اگر زن ایرانی و مسلمان با شناخت وسیع و آگاهی از اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه وآله) به دور از انحرافات و خرافات و پیرایه هایی که اسلام را پوشانده اند رشد یابد، به راحتی می تواند رفتارها و نگرش فرهنگی خود را اصلاح کند و با این نگرش، چنان حضوری قوی در صحنه های گوناگون سیاسی و اجتماعی خواهد داشت که هیچ هموردی برای او وجود نخواهد داشت.

امام خمینی(رحمه الله) در پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، مهم ترین و مؤثرترین عامل را حضور پرشور و پرتوان زنان در صحنه سیاسی جامعه قلمداد کردند که این شیرزنان با رشد و آگاهی اسلامی و الهی خود توانستند حتی قوی تر از مردان در جامعه حضور یابند. از این رو، ایشان می فرماید:

«آنچه که در ایران بزرگ تر از هر چیز بود تحوّل است که در بانوان ایران حاصل شد. بانوان ایران در این نهضت انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم، که در پشت جبهه ها مشغول فعالیت هستند، سهم آن ها بیشتر از دیگران است.»^(۱)

نکته جالب در میان سخنان حضرت امام (رحمه الله)، شناخت روان شناسانه و عمیق ایشان نسبت به روحیه زن، بخصوص «زن مسلمان ایرانی» است که بدان اشاره می کنند. هدف زنان ما در مبارزات سیاسی و حضور در صحنه های گوناگون جامعه، کسب جاه و مقام نیست و — همان گونه که اشاره شد — فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز هرگز به خاطر منافع فردی و شخصی خود وارد مبارزه سیاسی نشد، بلکه با توجه به رسالت الهی، که بر دوش داشت، و در جهت دفاع از حریم امامت و ولایت، با استفاده از حربیه های گوناگون سیاسی وارد صحنه گردید و چنان حماسه شکوهمند و ایثار و از جان گذشتگی را تا مرز شهادت به نمایش گذاشت. امام راحل (رحمه الله) هم به این بعد روحی و عرفانی زن اشاره می نماید که زنان مسلمان جامعه اسلامی به خاطر دفاع از اسلام و قرآن وارد صحنه سیاسی شدند و به همین خاطر، باید این حضور قوی را حفظ کنند، نه اینکه چون زن هستند باید در کنج عزلت به سر برند و خانه نشینی اختیار کنند و تابع محض حوادث و رویدادهای جامعه باشند. ایشان می فرماید:

«خانم ها برای اینکه يك چیزی — مثلا — دستشان بیاید یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی آیند بیرون، خودشان و بچه هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم ها را آورده است بیرون و همدوش مردها، بلکه جلوتر از مردها وارد صحنه سیاست کرده است.»^(۲)

در جای دیگر، ایشان حضور و دخالت بانوان در مسائل سیاسی را به عنوان تکلیف برای آنان قلمداد کرده، می فرماید:

«سیاست يك ارثی نیست که مال دولت باشد، خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند و تکلیفشان این است.»^(۳)

و مقام معظم رهبری نیز بارها به این مسئله اشاره کرده که زنان باید در عرصه های سیاسی فعال باشند و لازمه يك نظام اسلامی حضور پر قدرت و آگاهانه اقدار اجتماع، بخصوص، بانوان است. ایشان می فرماید:

«در نظام اسلامی، زنان باید از درك سیاسی برخوردار باشند، فنّ خانه داری و همسر داری را بدانند و در صحنه فعالیت های اجتماعی، سیاسی، علمی و خدمات، مظهر عصمت و طهارت و مناعت باشند.»

زن مسلمان ایرانی با داشتن الگویی همچون صدیقه طاهره (علیها السلام) توانست با حضور خود در صحنه های پر شور دوران وحشتزای طاغوت، حماسه انقلاب اسلامی را به منصّه ظهور

برساند و سختی‌ها و مرارت‌های هشت سال جنگ تحمیلی را به جان بخرد و با ایثارگری‌های خود در پشت جبهه و گاه در درون جبهه و نیز تهاجم فرهنگی دشمن، توطئه‌های دشمن را نقش بر آب سازد و با تمسک به حیل‌المتین زهرای اطهر(علیها السلام) به عنوان الگو و اسوه در صحنه‌های گوناگون جامعه حضور یابد و فریب تبلیغات مغرضانه و مزورانه فریب‌کاران زر و زور و تزویر را نخورد و چه زیبا و دل‌نشین مقام معظم رهبری فرمود:

«زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زندگی حضرت فاطمه(علیها السلام) را از جهت خردمندی، فرزاندگی و عقل و معرفت الگو و سرمشق قرار دهند؛ از بُعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر(علیها السلام) پی‌روی کنند.»^{۱)}

نگرش فاطمی در بیداری زن مسلمان

در جهان امروز، جامعه مسلمانان به عنوان دومین جامعه بزرگ مذهبی است که بیش از 5/1 میلیارد عضو دارد که روز به روز در حال گسترش است و زنان نیز بیش از نیمی از این جامعه را تشکیل می‌دهند. در چنین جامعه‌ای، شناخت الگوی راستین برای زنان مسلمان می‌تواند تأثیر شگرفی بر جای بگذارد. یکی از بزرگ‌ترین درس‌های عملی از حضرت زهرا(علیها السلام) حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی – سیاسی با حفظ عفت و حجاب و ارزش‌های وجودی زن است که در انقلاب اسلامی، جلوه یافت و الگویی برای زنان مسلمان در سطح جهان گردید. تأسی به اسوه و الگوی برتر زنان جهان، حضرت زهرا(علیها السلام)، گامی نوین و حرفی نو مطرح ساخت که زن مسلمان در اقصا نقاط جهان، از آسیا تا آفریقا، از اروپا تا آمریکا، می‌تواند با تکیه بر الگوی عملی فاطمی، به خودباوری و احیای هویت اسلامی دست یازد؛ همچنان که زنان مسلمان در سطح جهان با احیای عزت اسلامی و مبارزه با ساختارهای موجود و جنبش‌های فمینیستی و قوانین موجود در جهت تثبیت ارزش‌های زن مسلمان گام برداشتند.

قدرت یافتن جنبش‌های زنان مسلمان و حضور آن‌ها در عرصه‌های بیداری و حق‌طلبی نماد بارزی است که با پی‌روی از الگوی آموزه‌های دینی فاطمی به وجود آمده است؛ به گونه‌ای که رسانه‌های غربی همواره از تأثیر انقلاب اسلامی و تغییر رویه زنان مسلمان در سراسر جهان سخن گفته‌اند؛ صحبت از زنانی که روزی در فرهنگ برهنگی غوطه‌پور بودند و امروز با شناخت حقیقت وجودی خویش، در جبهه جنگ و جهاد و شهادت تا مرحله ایثار جان نیز گام نهاده‌اند. *الدستور* در یکی از گزارش‌های خود به این موضوع اشاره کرده، می‌نویسد: بیداری زنان لبنانی، آنان را به مسلسل کلاشینکف و بمب‌های مولوتف مجهز ساخت. اردوگاه زینبیه در بعلبک، که زیر

نظر دفتر زنان انقلابی وابسته به دایره جنبش های آزادی بخش اداره می شود، اینک به عنوان مکانی مقدّس برای فعالیت زنان جنوب لبنان به شمار می رود.^(۱)

نیویورک تایمز در گزارش دیگری با تکیه بر بیداری زنان مسلمان و تلاش آن ها برای احقاق حقوق واقعی شان می نویسد: جنبش های زنان در کشورهای اسلامی بسیار قوی و متشکل می باشد و زنان در این کشورها، فعالیت های زیادی برای کسب حقوق خود در چارچوب های غیرمذهبی و مذهبی انجام می دهند ... در تمام دنیای اسلام، از شمال آفریقا و خاورمیانه تا جنوب شرقی آسیا، انواع گوناگونی از افراد و گروه های حقوق زنان، با فرهنگ های متفاوت، اما مشترک در داشتن ایمان قوی در حال ایجاد جنبش هستند.^(۲)

امید است زنان مسلمان ایران و جهان با حضور بیدارگرانه خود و کسب آگاهی نسبت به مسائل اسلامی و شناخت اسلام واقعی، با داشتن الگوهای همچون حضرت زهرا(علیها السلام)، که افتخار زنان جهان است، بیش از پیش این موهبت و رحمت الهی را درک کنند و حضور خود را در صحنه های گوناگون جامعه در چارچوب اسلامی تداوم بخشند.

نتیجه مبارزه

اگر مبارزات سیاسی فاطمه زهرا(علیها السلام) در دفاع از حریم امامت و ولایت نبودند جریان امامت در همان «سقیفه بنی ساعده» خاتمه می یافت. اما خداوند اراده کرده بود که ریحانه نبی و همسر ولایت بار سنگین مبارزات سیاسی را در مدت کوتاهی بر دوش بگیرد و جامعه خفته را بیدار سازد و همچون پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله) رسالت را به امامت متصل سازد و وجود آن حضرت، تجلّی بخش امامت بود. دفاع فاطمه زهرا(علیها السلام) از حریم امامت و ولایت بود که توانست از قتل حضرت علی(علیه السلام) جلوگیری کند و تا حدی جوّ متشنّج سیاسی آن روز مدینه را کنترل نماید و حقّانیت حضرت علی(علیه السلام) را به مرور زمان ثابت کند تا در سال های بعد، با بیعت مردم با حضرت علی(علیه السلام) مسیر امامت تداوم یابد و فرزندان آن حضرت ادامه دهنده خط مشی سیاسی و مبارزاتی مادر نمونه شان باشند. همو بود که دختری همچون زینب(علیها السلام) را در کانون تربیتی خویش پرورش داد تا در کربلا ادامه دهنده و پیامبر خون امام حسین(علیه السلام) باشد.

مبارزات سیاسی حضرت زهرا(علیها السلام) نشان دادند که يك زن، که عنصر پیونددهنده بین رسالت و امامت است، چگونه می تواند با جثه ضعیف خود و روح عظیم الهی خویش، بار سنگین مبارزه را بر دوش کشد و با جان و مال خود تا آخرین نفس، خط الهی را دنبال کند و فریب سیاست پیشگان زر و زور و تزویر را نخورد و نشان دهد که در سخت ترین عرصه های سیاسی

و اجتماعی جامعه، که حتی مردان رزم دیده و مقاوم هم دچار تزلزل می شوند، يك زن ایستا و مقاوم می تواند در مقام دفاع از حق و ولایت بایستد و رسالت خویش را جانانه به ثمر برساند.

حضور سیاسی فاطمه زهرا(علیها السلام) نشان داد که يك زن با آگاهی و اتخاذ شیوه های سیاسی مدبرانه می تواند در صحنه های گوناگون جامعه به مبارزه بپردازد. این حضور نه تنها تفکر «عدم حضور زن در اجتماع» را نفی می کند، بلکه انحصار حضور مردان در عرصه های سیاسی را به نقادی می کشاند و بر آن مهر ابطال می زند.

راضیه مرضیه(علیها السلام) با زندگی و مبارزه خود، در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، خانه داری، همسر داری، تربیت فرزند و بخصوص در صحنه های گوناگون سیاسی، نشان داد که يك زن می تواند با حفظ حریم عفت و ارزش های انسانی، در تمامی عرصه های جامعه حضور داشته باشد و اسلام چنین می خواهد که زن نیز همچون مرد، در تمام عرصه های جامعه عنصری فعال و پویا باشد و با پیروزی انقلاب اسلامی، این تحول و نگرش نسبت به زن در جامعه ایجاد شد و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(رحمه الله)، و مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای، نیز در سخنان خود بر این امر تأکید داشته و صحنه گذاشته اند.

دخت گرامی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و انسیه حورا، حضرت فاطمه(علیها السلام)، با اخلاق و رفتار و کارنامه عملی و فکری خویش، مکتبی را برای زنان پایه گذاری کرد که زمزم تکامل و تعالی و چشمه سار والای کرامت انسانی است، که زنان امروز نیز با تأسی به این اسوه و الگوی برتر، می توانند به گسترش ارزش های دینی بپردازند و با ایجاد حس مسئولیت پذیری، خودسازی، روحیه شهادت طلبی، دفاع، انفاق و ایثار و استقامت و پایداری و صبر، تلاش کنند تا در جهان امروز، به جایگاه حقیقی خویش دست یابند و بدینوسیله، با بازبینی سنت های جاهلی و احقاق حقوق الهی و شرعی و تکیه بر هویت اسلامی، با حفظ حجاب به عنوان نماد استقامت^(۱) و پایداری، مسیر فاطمی را ادامه دهند. بی سبب نیست که یوسف زهرا(علیها السلام) الگوی تمام عیار خویش را در زمان ظهور این گونه معرفی می کند:

«فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»؛ در دختر رسول خدا، فاطمه زهرا(علیها السلام) برای من،

اسوه ای نیکو و شایسته است.